

یادداشت

نگاهی به برنامه

((شب صحبت))

میز نه چندان نقد

👈 پایتخت، این سریال محبوب تلویزیون که این اواخر قدری هم غیرمعمولی شده بود به میز نقد شبکه یک آمد تا مهدی فرجی و سیروس مقدم به عنوان سازندگان سریال و



علیرضا ملوندی

رسانه

کیوان امجدیان و پژمان کریمی به عنوان منتقد مهمان محمود گبرلو شوند و از نقدها به پایتخت بگویند. اگر منصفانه بخواهیم بگوییم در «شب صحبت» تقریباً اغلب نقدهایی که به پایتخت می‌شود مطرح شد اما این مطرح شدن باعث این نشد که میز نقد پایتخت رایک برنامه چاشنی به آن معنای دافی که مثلاً در برنامه‌های نقد سینمایی مسعود فراستی می‌بینیم، بدانیم، نقدها بیشتر از سوی پژمان کریمی مطرح می‌شد و سایر حاضران در استودیو به عنوان مدافعان سریال نقش آفرینی می‌کردند. محمود گبرلو به عنوان مجری مثل همیشه آرام بود و علیرغم اینکه تلاش می‌کرد بی‌طرفی‌اش را حفظ کند اما در موارد زیادی جانب سازندگان پایتخت را می‌گرفت و عملاً به یار کمکی فرجی و مقدم بدل شده بود. کیوان امجدیان هم به عنوان منتقد در این برنامه حضور داشت ولی تقریباً در تمامی موارد به یاری مقدم و فرجی شتافت هر چند نقدهای فرمی ملایمی هم به اثر داشت.

«شب صحبت» یک خلا مهم هم داشت و آن هم عدم حضور نویسنده سریال در برنامه بود. محسن تائبنده که طبق گفته سیروس مقدم، نقش اصلی را در پی‌ریزی شالوده پایتخت‌ها داشته به همراه آرش عباسی، طبیعتاً اصلی‌ترین افرادی هستند که در خصوص قصه و محتوای فیلمنامه می‌توانند صحبت کنند و نقدها را پاسخ دهند اما این دو ترجیح دادند در یک نقد تلویزیونی حضور پیدا نکنند و جور قصه را هم سیروس مقدم بر دوش بکشد.

الهام غفوری به عنوان تهیه‌کننده سریال هم در نهایت پاسخگوی اصلی سریال به ویژه در مورد حاشیه‌های قسمت‌های آخرش است اما او هم به برنامه نیامد و به جای غفوری، مهدی فرجی مشاور پروژه به برنامه آمد و از پایتخت دفاع کرد. «شب صحبت» کوشید میز نقد پایتخت باشد و البته تا حد خوبی نقدها را مطرح کرد اما عدم چپشن متناسب مهمان‌ها و موضع‌گیری‌های مجری باعث شد مخاطب حسن کند این برنامه بیشتر برای دفاع از سریال شبکه یک ساخته شده است تا به چالش کشیدن یکی از مهمترین سریال‌های یک دهه اخیر تلویزیون.

پانزدهمین جشنواره بین المللی

رادیو به تابستان موکول شد

دبیر پانزدهمین جشنواره بین المللی رادیو از برگزاری مراسم پانزدهمین جشنواره بین المللی رادیو در تابستان خبر داد. به گزارش کمیته اطلاع رسانی پانزدهمین جشنواره رادیو، مجتبی ایزدی دبیر پانزدهمین جشنواره بین المللی رادیو گفت: پانزدهمین جشنواره بین المللی رادیو که مهرماه سال جاری با انتشار فراخوان در چهار بخش، بین الملل، ویژه، مردمی و بین الملل و با هدف دستیابی به ایده های خلاقانه و مبتکرانه و معرفی و ارتقاء توانمندی‌های شبکه های رادیو کار خود را آغاز کرد؛ با استقبال بسیار خوب برنامه سازان از جمله در بخش مردمی و بین الملل مواجه شد.

ایزدی گفت: در این جشنواره تعداد ۲۸۵ اثر در بخش داخلی و تعداد ۳۴۵ اثر در بخش ویژه دریافت و مرحله انتخاب آثار و داوری آنها به انجام رسیده است؛ و در بخش مردمی، تعداد ۱۲۱۵ اثر در قالب گزارش، مستند، نمایش کوتاه، پادکست و آونس و ... دریافت شد که نسبت به سال گذشته شاهد رشد دو برابری است.

دبیر پانزدهمین جشنواره رادیو تصریح کرد: همچنین در بخش بین الملل و پس از همکاری شایسته مرکز بین الملل سازمان صدا و سیما و نیز اتحادیه رادیو تلویزیون های آسیا و اقیانوسیه (ABU) و اتحادیه رادیو تلویزیون های کشورهای اسلامی و بهره مندی از فضای مجازی؛ و با پایان یافتن مهلت ارسال آثار در اسفند ماه گذشته، تعداد ۲۴ اثر از ۱۵ کشور جهان در این بخش برای جشنواره ارسال شد که نسبت به سال گذشته، رشد بیش از دو برابری داشته است



مهمانخانه است. «نوروز در خانه» از ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح تا ۱۳ بصورت زنده و با اجرای امیر عصفد و صاحبه عظیمی پخش می شود. مهدی ساعی تهیه کننده، لیلا حسین پور نویسنده، محمد حسین خسروچردی دستیار تهیه و علیرضا شاه صفی ارتباطات می باشد. رادیو نوروز روی موج fm ردیف ۹۵.۵ مگاهرتز پخش می شود.

به‌طور مثال پدر بزرگ در حال خواندن کتابی ست و همان را موضوع مسابقه می کند. دختر خانواده در آشپزخانه در حال طبخ غذاست و همان را موضوع مسابقه می کند و ... این مسابقه دارای بخش های مختلف همچون در خانه بخوانیم، در خانه بشنویم، در خانه ببینیم، در خانه بدانیم، مطبخ خانه، بازی در خانه و

در نقد و بررسی فصل ششم «پایتخت» مطرح شد:

صحبت در حومه پایتخت



زینب علیپور طهرانی

رسانه

👈 مجموعه «پایتخت» که در این سال‌ها به برند شبکه یک تبدیل شده، در فصل ششم و به‌خصوص قسمت آخر با حواشی روبه‌رو شد که تا حدودی نتوانست جذابیت گذشته را حفظ کرده و همراهانش را مثل همیشه راضی نگه دارد. از طرفی ناتمام ماندن داستان و در انتظار گذاشتن مخاطبان برای تماشای فینال داستان هم مزید بر علت شد تا آنچه‌جان که باید نتواند به موفقیت فصول گذشته دست پیدا کند.

نقد و بررسی این مجموعه در دو شب در برنامه‌ای با عنوان «شب صحبت» به تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری با حضور سیروس مقدم (کارگردان)، مهدی فرجی (مدیر سابق شبکه یک)، کیوان امجدیان (منتقد) و پژمان کریمی (منتقد) و با اجرای محمود گبرلو برگزار شد و به پرسش‌های مخاطبان و منتقدان این مجموعه پاسخ داده شد.

۴ قسمت پس از شکست کرونا

مقدم: در قسمت ۱۵ بهتاش به دلیل شرایطی که در فوتبال پیدا می‌کند مورد تقاضای تیم‌های حرفه‌ای قرار می‌گیرد و در داخل ایران و خارج دعوت می‌شود. بنابراین به تهران می‌آید و طبیعی است قصه وارد فضاهای ورزشی و تجمع و هیاهو و تماشاجی می‌شود و به دنبالش قصه‌های خانوادگی ادامه دارد که نقی، هما و خانواده به دنبال ارسطو هستند. به تهران می‌آیند. با توجه به شرایط کرونایی نتوانستیم این بخش‌ها را فیلمبرداری کنیم. لیگ تعطیل شد. تجمعات تعطیل شد و قرنطینه اجباری شد. مطمئن باشید اولین روزی که شرایط عادی برقرار شود تیم پایتخت هم عهد شده‌اند فصل پایانی را بگیرند. دو قسمت ۸۰ صفحه‌ای مانده است که در بخش چهار قسمت می‌شود.

فرجی: در فصل ۵ تا زمانی که به چالش اصلی که درگیری با داعش است برسیم انتقادهای زیادی به این خانواده وارد است. می‌خواهند پناهنده شوند. چاشنی به وجود می‌آید و تبدیل به بحران می‌شود و بعد در کنار یکدیگر بودن را می‌بینند. کاش تعطیل نمی‌شد و ما قسمت‌های بعدی را می‌ساختیم و این در کنار یکدیگر بودن را در فصل ۶ هم به مردم نشان می‌دادیم.

خانوادگی‌ترین پایتخت



مقدم: صحبت‌هایی که با محسن تائبنده و مرحوم خشایار الوند داشتیم بر این اساس بود که در فصل‌های پیشین همه جور سبک قصه‌گویی را تجربه کرده ایم. از مهاجرت و جابه‌جایی، از قهرمان‌پروری و گنبد و گل دسته. بنابراین تصمیم گرفتیم در فصل ۶ اساس و بنیان را بر التهابات درونی خانواده بگذاریم. همه بر اساس حادثه شکل می‌گرفت. گنبد و گل‌دسته، نامه‌هایی که باید به رئیس جمهور می‌رسید، سقوط بالن یک خانواده، تصادف ماشین و در فصل ششم خانوادگی‌ترین پایتخت را داریم. قصه را از التهابات بیرونی خلاص کردیم و به درونی‌ها پرداختیم. همراه با خانواده‌ای که در طول این ده سال ربات نیست، همراه با تحولات جامعه رشد کرده و متحول شده است.



کریمی: آنچه اتفاق افتاد این بود که با خانواده‌ای مواجه هستیم که همه همدل می‌شوند. در فصل ششم احساس می‌کنیم نشانه‌هایی که در طول این سال‌ها در فصل‌های قبلی با آنها عجین شده‌ایم کم‌رنگ شده یا از بین رفته است. فصل ۵ ماهیت ترویرستی یک گروه را به چشنگی عیان می‌کند. سبک زندگی ایرانی. اسلامی را در فصل ۵ می‌بینیم. تعجب برانگیز است که در فصل ۶ این نشانه‌ها را به تمامی نمی‌توانیم سراغ بگیریم. قد است خانواده را به پاکی و روشنی تا فصل ۵ دیدیم. قسمت‌های پایانی ساخته نشده است و شاید در این قسمت‌ها تغییراتی ببینیم، اما

پایتختی‌ها قدیس نیستند

مقدم: نمونه‌هایش را در سینمای هند «سنگام» داشته‌ایم، در «هشت نفرت انگیز» آدم‌هایی در قصه که به دلایل هیچ جور امکان وصل شدن ندارند به یکدیگر وصل می‌شوند و درست در لحظه‌ای که به نظر می‌رسد همه چیز خوب است و موانع برداشته شده است ناگهان عنصر دیگری که مرده یا کم شده سر و کله‌اش پیدا می‌شود. این ساختار کاملاً کلاسیک است. کاراکترهایی که در کنار هم قرار می‌دهی از نظمی که به وجود آورده‌ای تا به بی‌نظمی برسد باید از خلق و خوی انسانی برخوردار باشند. نمی‌توانی آنها را به قدیس‌هایی تبدیل کنی که امکان خشونت ندارند. مثل رحمت و فهمیه. مجموعه‌ای از خوبی و بدی هستند. به جایی می‌رسیم که می‌گویند اینها بروند سر خانه و زندگی‌شان. وقتی بهبود پیدا می‌شود می‌گویند این هم گناهی ندارد. شکل روایت قصه می‌گوید ما تا اینها را آدم نبینیم نمی‌توانیم از آنها قهرمان بسازیم.

جانمان را کف دستمان گذاشتیم

مقدم: این تیم جانش را برای ساخت سریال کف دستش گذاشته است. نمی‌دانستیم در نهایت به جای تشویق باید تنبیه شویم. خیلی نظرات به ضد انقلاب و کسانی که زمان ساخت ما را تهدید علنی کردند، نزدیک است. دوستان این طرف می‌دانند تیم ما مردم را دلسوزانه پای سریال می‌نشانند. اینها را حظوری می‌توانیم تحمل کنیم؟ این حالمر را خراب کرده است. ما خدمت می‌کنیم یا خیانت می‌کنیم؟

فرجی: واقعیت قصه این است در سریالی که نوروز ساخته شد و کمدی ساخته شد سکانسی داریم به زمان قبل از انقلاب می‌پردازد. گفته می‌شود اینجا شکنجه گاه قبل از انقلاب بوده است. در همین سریال قهرمان قصه خود را به ادای دین مکلف می‌داند. در همین سریال به موضوع جشن نفس پرداخته می‌شود. تعداد داوطلبان برای اهدای عضو افزایش چشمگیری پیدا کرده است. حیف است لکه‌ای روی چنین سریالی ببندازیم.

کریمی: تکلیف رسانه‌های معاند مشخص است و حرف‌هایشان برای ما نه هیچ‌کس معیار نیست. اینها همان‌هایی هستند که وقتی سریال را اگر می‌کردید علیه شما بودند. فکر نکنید انتقادهای داخلی هم از روی غرض‌ورزی است.

تا این جای قصه به راحتی دروغ می‌گویند. دختری پنهانی از پدرشان و خانواده کارهایی انجام می‌دهند. پدر خانواده وقتی حج می‌رود خصیصه‌های اخلاقی بدش پررنگ‌تر می‌شود.



امجدیان: اگر این تصویری که از این خانواده می‌بینیم یک تصویر ایرانی بدون اشتباه و منظمی باشد فاصله من مخاطب با آن خانواده زیاد می‌شود و دستم نمی‌رسد.

هماسعادت یک‌باره همسرش دروغ گفت.

آیا شما او را دروغگو می‌دانید؟ کنش‌ها و اکث‌ها باید لا به‌لای رفتارها و روابط دیده شود. در مجموعه خیلی از اکث‌ها، کنش‌ها و واکنش‌ها را می‌بینیم. برآیند همه اینها به من می‌رساند که او درستکار و وفادار و بسیار آدم درستی است.



فرجی: در فصل ۶ دیدیم در مشکلی که نقی دارد و خطایی که ارسطو کرده هما سعادت دوشادوش او

راه می‌افتد و در کنارش است تا مشکل را حل کند. او را سرزنش نمی‌کند. حتی سراغ کسی می‌رود که روزی رقیب او بوده است. هر حرفی باید بار علمی داشته باشد. من دوست دارم شخصیت‌ها مثبت باشند. اما آیا این را دیدگاه علمی و حرفه‌ای تایید می‌کند؟

سینمای قبل از انقلاب ارزش هنری ندارد

مقدم: رویه و دریچه‌ای که باز می‌کنیم باید شوخی و گرفتن لبخند باشد. اگر دریچه تراژدی را مطرح می‌کنیم مساله عوض می‌شود. اگر از دریچه طنازی و شوخی و طنز نگاه کنیم. در فصل ۱ از کاراکتر جیمز باند استفاده کرده‌ایم. این به این معنی نیست که تیم سازنده طرفدار جیمز باند است. در تمام صحنه‌های تمرین نقی از موضوعاتی استفاده کردیم اما این‌طور نیست که طرفدار سیلوراستالونه هستیم. در فصل ۴ تم کولی‌ها یا جیپسی‌ها را استفاده کردیم. در فصل ۵ موسیقی ترک از ابراهیم تاتلیس را پخش کردیم. این به این معنی نیست که طرفدار آن خواننده هستیم. شوخی همان طوره که با سیاست و اخلاق شوخی می‌کند با موسیقی هم شوخی می‌کند. این سکانس اتفاق غیرقانونی نیست. زن و شوهری را نشان می‌دهد که قانونی ازدواج کرده‌اند. زن و شوهری که با موتور رفته‌اند. کیف خانم بینشان قرار داده شده است. نه کار غیر عرفی می‌کنند که بگوییم کار غیرعرفی کرده‌اند. مثلاً دست هم را المس کنند.

فرجی: برخی گفتند شما می‌خواستید راجع به فیضر حرف بزنید. سازمان با پخش این سکانس موافق نبود. اما واقعیت قصه این‌طور بود که آنها یک سکانس شادی را گرفته بودند تا کار تلخ تمام نشود. سکانسی که بردن بهبود در آمبولانس بود، پایانی تلخ به حساب می‌آمد. برخی گفتند به قیصر ادای دین شده است. من می‌گویم سینمای ما هر افتخاری دارد بعد از انقلاب است. سینمای قبل از انقلاب ارزش هنری ندارد. فیلم‌های میندل را فیلم فارسی می‌دانیم. بنابراین فکر کنیم که یک سطح یا جایگاه هنری است. یک شوخی است. یک موتوری که چراغش روشن است. حتی سازمان با پخش این مخالف بود اما چون می‌خواستند سریال تلخ تمام نشود پخش شد.

مردم پایتخت را دوست دارند

مقدم: تلویزیون نمی‌تواند یک سلیقه خاص را به نمایش بگذارد. اگر سلاقی مختلف دیده نشود مردم بخشی از خود را نمی‌بینند و با تلویزیون خدا حافظی می‌کنند.

فرجی: این نقدها از جامعه منتقدان نبود. هر کسی صفحه‌ای در فضای مجازی دارد برای خود منتقد شده است. سریالی که ۸۰ درصد مردم را پای تلویزیون بنشانند رویایی و دست نیافتنی است. مردم سال هاست این سریال را می‌بینند و این نشان از سلامت این سریال دارد. مردم با این سریال ارتباط می‌گیرند و دوستش دارند. می‌خواهم از عوامل و منتقدان تشکر کنم که این کار را در شرایط سخت کرونایی ادامه دادند.

امجدیان: سریال پایتخت فوق‌العاده است. من خودم و خانواده ام پای آن بودیم. شما و جمعی آمده اید برای این که مردم در ایام نوروز سریال را ببینند. ایثار کرده‌اید.

«پایتخت» داستان ندارد!

کریمی: من از کسانی هستم که معتقدم این فصل داستان نداشت. وقتی داستان ندارد مینی‌مال‌ها و خرده‌داستان‌ها در نمی‌آید. بنابراین اگر کسی بخواهد داستان سریال را تعریف کند نمی‌تواند.

مقدم: قصه اصلی این‌طور است. یکی بود یکی نبود، همسر خانی که فکر می‌کرد شوهرش مرده ناگهان بازگشت و همه دارند تلاش می‌کنند نظمی را که با آمدن او به‌هم خورده است بازگردانند. قصه اصلی این است و خرده‌قصه‌هایی که در کنار قصه اصلی روایت می‌شوند.

امجدیان: قصه ما یک قصه پر از لحظه‌پردازی شخصیت‌هاست. این است که به پردازش بهتر منجر می‌شود. همه چیز در خدمت قصه و پردازش شخصیت‌ها برای ارتباط برقرار کردن با مخاطب است.